



۲۰۱۵/۰۵/۱۷



رسول پویان

طالبان و روزهای دشوار هرات

بخش هفتم

توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در و جب و جب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نبشته شده است؛ اما در این نوشته فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته نگارش درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

سوء استفاده از انجمن ادبی هرات

پس از تصرف هرات توسط طالبان فعالیت حکومت پسنده انجمن ادبی متوقف شد. در دوره دولت کودتا و حکومت محلی مجاهدین انجمن مزبور کار موثری انجام نداد و در زیر چتر رسمی حکومت وقت فعالیت می کرد. در دوره مجاهدین از این انجمن سوء استفاده سیاسی می شد و انجمن از آزادی ادبی و فرهنگی برخوردار نبود. چنان که در روزنامه اتفاق اسلام پنجشنبه ۲۱ دلو ۱۳۷۲ مقامات رسمی از قول اعضای انجمن چنین نوشتند: «اعضای انجمن ادبی ولایت هرات یکبار دیگر حمایت کامل خود را از کاروان نور در سرکوب و امحای ملیشه های خائن دوستم و گلبدین اعلام نموده و برای ادامه جهاد و مبارزه معنوی از سنگر قلم و فرهنگ ابراز آمادگی کردند». پس از کندي تیغ ظلم و ستم طالبان بعضی از چهره های سیاسی آن به هدایت استخبارات پاکستان به فکر استفاده از انجمن ادبی هرات شدند. مفتی لطیف الله حکیمی یکی از چهره های اصلی تحریک طلبه ها در هنگام انتصاب به ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات این کار را آغاز کرد. وی با فعال کردن انجمن ادبی هرات در پی آن بود تا شخصیت های ادبی، فرهنگی و صاحب قلم هراتی را شناسائی و زیر کنترل آورد. از انجمن ادبی به حیث وسیله سیاسی استفاده کند و تبلیغات راه اندازد.

در راستای این سیاست زیرکانه به تاریخ ۲۱ حمل ۱۳۷۸ ساعت دو بجه بعد از ظهر جلسه انجمن ادبی در سالون کتابخانه عامه هرات به منظور گزینش هیئت رهبری و تعیین اعضای کمیسیون ها دایر شد. در هیئت رهبری اشخاص آتی شامل بودند: مفتی لطیف الله حکیمی رئیس اطلاعات و فرهنگ هرات، سید محمد عمر شهید، استاد برات علی فدایی، مولوی نصر الله عنبری، ناصر رهیاب، مسعود رجائی، سید ضیال الحق سخا، دستگیر قیومی، احمد سعید حقیقی، عبدالله شفیقی و احمد ضیاء رفعت.

اشخاص ذیل در کمیسیون های مربوطه انتصاب شدند: ناصر کفاش، محمد ظاهر رستمی، همایی، خادم، محمد شیرین سخن، نظام الدین شکوهی، داوود منیر، نهیک فلاح، علی شاه حکیمی، خلیل حسن زاده، توکل، نیک سیر، ولی شاه بهره، بهال الدین بها، محمد غازی زاده، ظاهر ارشاد، عنایت و غیره.

تعداد اعضای انجمن به بیش از صد نفر می رسید. تا جایی که نگارنده از اعضای انجمن پرسیده ام اکثریت قاطع شاعران و فرهنگیان هراتی از ترس طالبان به این جلسه شرکت کردند. آنان پول، توان و دل و دماغ مهاجرت به کشورهای دیگر را نداشتند. بناً مجبور شدند در زیر استبداد و اختناق طالبی زندگی کنند و به دستورات شان گوش دهند. این بود مفهوم واقعی فعالیت مجدد انجمن ادبی هرات در عهد طالبان.

اجرای حد شرعی و لغو قوانین سابق در محاکم

یکی از مشکلات اساسی جامعه افغانستان همواره عدم وجود قوانین معین و تطبیق نشدن قوانین موجود بوده است. با تغییر رژیم ها و حکومت های اجرائی قوانین نیز در این کشور دستخوش ابهام و سردرگمی می شود. در دوره جنگ

درازدت این ابهام و پیچیدگی همواره در محاکم و ادارات رسمی احساس می‌گردید؛ اما در عهد طالبان یک نوع هرج و مرج و سردرگمی جدی در سیستم حقوقی، قضایی و قوانین افغانستان چیره شد. به قول مولوی جلیل الله معاون استرزه محکمه طالبان قصاص شرعی در حکومت طلبه‌ها جاری است و ملا محمد عمر تمام قوانینی که با شریعت و فقه حنیفی مغایرت داشت طی فرمانی لغو کرد. به تاریخ ۱۱ سرطان ۱۳۷۷ در شورای علمای افغانستان که به منظور بررسی قانون اساسی و سایر قوانین کشور در کابل دایر گردیده بود، مواد قانونی که با تفسیر خاص طالبان با شریعت مغایرت داشت یا تغییر کرد و یا به کلی ملغی شد؛ قانون مدنی سابق معطل و از جنبه اجرائی خارج گردید و موضوع مراجعه به علما به میان آمد. به این ترتیب دیده می‌شود که خلاء قانونی و ابهام در سیستم قانونی و قضایی کشور نسبت به گذشته زیاد تر شد و انتصاب اشخاص غیرمسلمی و نا آگاه به امور حقوقی و حتی قوانین شرعی در کرسی قضا بر پیچیدگی اوضاع محاکم و نظام قضایی افغانستان افزود.

طالبان در دوره حکومت خود دست ده‌ها سارق را بریدند؛ تعداد زیادی را سنگسار و به زیر دیوار کردند و یا بدار زده و به گلوله بستند. اعدام و قتل انسان‌ها برای طالبان آسان‌تر از نوشیدن آب بود. آنها با اعدام و ترور هرگز گامی در راه استقرار نظم و قانون، عدالت و مصونیت اجتماعی بر نداشتند. آنان هیچ‌گاه ظرفیت و دانش ریشه‌یابی مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی را دارا نبودند و به قانون و حقوق انسانی اهمیتی نمی‌دادند. آنها از شریعت و نفوذ روحانیون در راه حفظ قدرت و سلطه خود استفاده می‌کردند.

شکست کودتای خیالی

پس از دو دهه تجارب جنگ و شکست کودتای مختلف هنوز کسانی در زمان حکومت طالبی پیدا شدند که به فکر کودتا افتادند. طرح براندازی از طریق کودتای نظامی در شرایط جنگی که تمام قوای طالبان مسلح بوده و درحال آماده‌باش قرار داشتند و آنها در یک ولایت دور از پایتخت نوعی خودکشی به شمار می‌آمد. تنها می‌توانست اوضاع را آشفته‌تر ساخته و برای اهالی بی‌دفاع در دسر خلق نماید و تیغ استبداد و خشونت را تیزتر کند.

به تاریخ ۲۹ ثور ۱۳۷۸ شبه کودتای حزب وحدت اسلامی (که بیشتر به پشتیبانی دولت ایران توسط اهالی هزاره در ولایت هرات طرح شده بود) قبل از پیاده شدن توسط طالبان کشف و خنثی گردید. گفته می‌شود که استخبارات طالبان قبلاً در جریان بوده و نقشه‌ی بی‌اصطلاح کودتا توسط مسؤول اطلاعات حزب وحدت در بدل پول هنگفت به طالبان داده شده بود. نگارنده کدام اسنادی در رد و یا تأیید آن در دست ندارد.

پیش از ظهر روز چهارشنبه ۲۹ ثور ۱۳۷۸ شهر هرات به کابوس ترس و وحشت تبدیل شده بود و طالبان مسلح تعداد زیادی از مردم بی‌گناه و مظلوم هراتی را که از موضوع اطلاعی نداشتند و قربانی معاملات دو جانب درگیر شده بودند دستگیر کردند. مرد و زن قریه جبرئیل که در هنگام جنگ ضد روسی پایگاه مجاهدین شیعه بود به دست طالبان اسیر شدند. طلبه‌ها با بی‌رحمی و سنگدلی نعش‌های کشتگان را در چوک‌های شهر بدار آویختند و این اوج درنده‌خویی و قساوت قلبی طالبان را به نمایش می‌گذاشت.

بعد از این واقعه موج وسیعی از دستگیری‌ها به راه افتاد و تمام زندان‌ها و محل‌های مخصوص از بازداشت شدگان پر شد. فشار و شکنجه به اوج فلک رسید. سران طالبان خاصه ملا عبدالصمد قوماندان امنیه و ملا شریف رئیس محبس مردم بی‌گناه را به اتهام دست داشتن در کودتا دستگیر و شکنجه می‌کردند تا برای خود رشوه بگیرند.

سنگسار ستاره

ستاره فقیر دخترک غوریانی روزگار بسیار سختی را پشت سر نهاده بود. در تاریکستان جنگ نهال زندگی اش در چنگال تند باد خزانی به بر رسیده و در عقد نگاه شوهری تنگدست و غریب درآمده بود. شوهرش برای سیر نمودن شکم فامیل و به دست آوردن پول بخور و نمیر به ایران کار می‌کرد.

جنگ نه تنها کلیه‌های گلی و خانه‌های دلی را ویران ساخته بود؛ بلکه فقر و فساد اخلاقی را نیز افزایش داده بود. در زیر شلاق و دره طالبی هم‌گاه‌های فحشاء انجام می‌شد. سخته مردان و تشنه جوانان به سبب بالا رفتن پیشکش‌ها از طریق ازدواج نمی‌توانستند نیازهای جنسی خود را رفع نمایند؛ مجبور می‌شدند به شکل نامشروع رفع ضرورت کنند.

از قضای روزگار در میان غوغای بسیار طشت رسوایی ستاره از بام افتاد و قصه هم‌آغوشی او با سوخته مردان هوس باز در شهر و دیار پیچید. طلبه‌ها این فقیر زن بی‌کس و ناتوان را به عنوان نمونه برگزیده و به جرم زنا محکوم به سنگسار کردند که جریان اجرائی آن به شرح آتی است:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

به تاریخ ۹ میزان ۱۳۷۸ در دشت جنوب غوریان مردم زیادی گرد آمده بودند. آسیاباد های کهن دیگر از چرخش بازمانده و پیکر های فرسوده و تخریب شده آنها در زیر آفتاب از باستان زمانه ها حکایت می کردند. کوچیان هم از دل دشت های فراخ کوچ کرده بودند. در زیر بیرق سفید خون آلود و در سایه سنگین سلاح های طالبان بازار بازار قاچاق بود و جوانان کراکش غوریانی هر روزه در راه ایران کشته می شدند.

در دل دشت گودال شرعی طالبان دیده می شد که ستاره محکوم در آن ایستاد بود. ترس و سکوت در همه جا چیرگی داشت. تماشاچیان زیادی به ستاره نگاه می کردند. لحظاتی بعد با صدای درشت و خشن یکی از طلبه ها سکوت شکست و رگبار سنگ بر سر و صورت ستاره بی در حال غروب باریدن گرفت. در مدت کمی گودال و ستاره در زیر باران سنگ ناپدید شدند.

طالبان از اجرای حکم شرعی بسی شادان به نظر می رسیدند و اما مردم با تعجب و ترحم به ستاره می نگریستند. مثل این که تازه به خود آمده و به حال و آینده خود فکر می کردند. در این حال اقوام ستاره جلو رفتند تا نعش او را بردارند. پس از برداشتن سنگ ها معلوم شد که هنوز ستاره غروب نکرده است.

ادامه دارد

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ